

دارد، که برای پروژه‌های خاص منظور شده است یعنی این طور نیست که ما آن را بگیریم و بعد هر طور خواستیم خرج کنیم. یک اعتباری که گرفته می‌شود متصل است به یک پروژه خاص، و آن پروژه یک زمان بهره‌برداری دارد، که بعد از تاریخ بهره‌برداری ما باید بازپرداخت آن را با شرایط معینی شروع کنیم که هر کدام از اینها پیچیدگی‌های زیادی دارد. ۱۷/۵ میلیارد ۱۵ ساله یا ۲۰ ساله که برخی تا ۲۰ سال هم افزایش پیدا می‌کند و حدود ۱۲ میلیارد تا ۱۵ میلیارد هم اضافه کنید، به چیزی حدود سی و چند میلیارد دلار بالغ می‌شود و به صورت قرارداد سنگین و بلندمدت درمی‌آید. این هم یک کار عظیمی بود که سیستم بانکی ما آغاز کرد البته بسیاری از مسائل مربوط به آن به بانک مرکزی مربوط می‌شود ولی کار اصلی آن در بانکها انجام می‌پذیرد.

در سال گذشته عرضه سهام نیز توسط بانکهای ما انجام شد، خصوصاً بانک صنعت و معدن که به فراخور شرکت‌های تحت پوشش خود طبعاً میزان بیشتری از سهام را می‌تواند عرضه کند و خوشبختانه در سال گذشته، میزان عرضه سهامش بسیار زیاد بود. سال گذشته، سالی بود که ما به بورس توجه بسیار زیاد کردیم، با هیات مدیره‌ای متشکل از مدیران عامل بانکها، ساختمان جدیدی برای بورس در نظر گرفته‌ایم که محل مناسبی خواهد بود برای فعالیتهای بورس. بورس واقعاً در حال رونق پیدا کردن است، شاخصهای بورس ما نشان دهنده رونق کار بورس است و امیدوار هستیم که بتوانیم از همین هفته کارهای بیشتری برای سهامدار کردن مردم انجام دهیم. از جمله کارهای مهمی که برای حصول به این هدف یعنی سهامدار کردن مردم انجام گرفت این است

که بانک ملی به عنوان اولین بانک نسبت به عرضه سهام از طریق بانکها به کلیه مردم آغاز به فعالیت نمود، همچنین بانکهای دیگر هم به همین منظور اعلام آمادگی کرده‌اند. بانک ملی احتمالاً از امروز سهام سه شرکت را در سراسر کشور به معرض فروش می‌گذارد و هر کس که علاقمند به خرید سهام باشد به بانک مراجعه می‌کند، در آنجا تقاضای خرید می‌کند و متعاقب آن سهام فروخته می‌شود. به این ترتیب به مردم این امکان داده می‌شود که در اقصی نقاط کشور، بدون مراجعه به بورس اوراق بهادار در تهران بتوانند سهام خریداری نمایند. انشاءالله با این خدمتی که بانکها عرضه خواهند داشت، باید به سمتی برویم که همه مردم را سهامدار واحدهای تولیدی کنیم یعنی همه مردم در خرید سهم و مالاً در ارتقاء تولید کشور سهیم بشوند.

از جمله کارهای بسیار مهم دیگر طرح کارانه برای کارمندان بانکها است، طرحی که ما یک سال روی آن کار کردیم. خوشبختانه این طرح کلیاتش در شورای عالی بانکها به تصویب رسید و عن قریب جزئیاتش هم به تصویب خواهد رسید و اجراء خواهد شد، طرحی که از جمله موثرترین کارها برای افزایش کارآئی کارکنان بانکهاست. اما صرفنظر از این موارد مختلف، مسایلی در مورد مشارکتهای بانکها داریم. در این رابطه، نکته‌ای که به عنوان سؤال می‌خواهم مطرح کنم، بحث بازار سرمایه در کشورمان است. اساساً در مورد مساله پول همانطور که جناب آقای دکتر نوربخش هم در صحبت‌شان گفتند ما نیاز داریم به اینکه تحقیق بیشتری در مورد ماهیت پول در بانکداری اسلامی از دیدگاه اسلام انجام پذیرد. ما پول را چه می‌دانیم؟ پول آیا درهم و دینار

قدیم است؟ آیا پول امروز ما هم همان است؟ آیا احکام ناظر بر درهم و دینار که آن موقع پول به آن اطلاق می‌شد، بدون هرگونه تغییری، ناظر بر پول امروزی می‌تواند باشد؟ یک‌روز ما حکم می‌دادیم اگر کسی از دیگری یک درهم گرفت چگونه آن را پس بدهد. درهم، تعریف شده بود، معلوم شده بود که محتوای آن چقدر طلاست یا چقدر نقره است، و اگر دینار مورد مبادله قرار می‌گرفت باز هم معلوم بود و احکامی برای آن وجود داشت. لکن امروزه، پول تحول پیدا کرده است. یک سکه طلا را همیشه به عنوان پول می‌توان در یک جای مشخصی، در یک گاو صندوقی گذاشت و به جای آن پول اعتباری صادر کرد. در مقابل پنج گرم طلا ابتداء پنج برگ اعتباری منتشر کردند و بعدها ده‌ها و صدها برگ اعتباری انتشار دادند و بعد هم گفتند اصلاً این دو با هم ارتباطی ندارند. در سال ۱۹۷۳ که به طور کلی رابطه طلا و ذخیره طلا با پول قطع شد و سیستم استاندارد طلا و یا پایه طلا به کلی منسوخ گردید، پول اعتباری که سالها بود بوجود آمده بود اعتباری‌تر شد و فقط معتبر شد به مجموعه‌ای از قدرتهای اقتصادی عمومی کشور. ما باید این تحول را درک کنیم و آن را در متن مطالعات خود قرار دهیم. ببینیم واقعاً این تحول چه معنی می‌دهد؟ چه تحلیلی از این تحویل داریم؟ این تحولی که اتفاق افتاده، یعنی جدا شدن طلا از پول و به وجود آمدن پول اعتباری و پول کاغذی و اینکه این پول کاغذی چه احکامی می‌تواند داشته باشد؟ این سؤال مهمی است و من فکر می‌کنم سئوالی است ریشه‌ای. این سؤال بزرگی است که ما به عنوان مجریان و مسئولین سیستم بانکی از محققین ذیربط داریم و خواهش می‌کنیم که راجع به

این مطلب تحقیق کنند شروع کنند در این مورد صحبت کردن و بحث کردن که واقعاً تعریف پول چیست؟ این پول اعتباری امروز از نظر نحوه استفاده و از نظر ماهیت چه ویژگی‌هایی دارد؟ این را از این جهت مطرح کردم که ما می‌بینیم در کشورمان داریم رشد می‌کنیم، رونق اقتصادی دارد بوجود می‌آید. کشوری که در این دوره، در اواخر قرن ۲۰ در حال رشد است، نیاز به بازار سرمایه دارد، نیاز به بازار پول دارد. اینطور نیست که هر کس پول بخواهد فقط باید برود سراغ یک بانکی و از بانک پول بگیرد. در هیچ جای دنیا اینطور نیست. بانکها تنها موسسات تأمین کننده سرمایه نیستند. ابزارهای مختلفی وجود دارد، بازارهای مختلفی برای تأمین سرمایه وجود دارد. چه کسی گفته است که بهترین و تنها منبع تأمین سرمایه، برای سرمایه‌گذاری یا مشارکت یا هر کاری فقط بانک است؟ هم اکنون در خود کشور ما هم اینطور نیست. یعنی در حالی که اکنون تمام وابستگی ما بر بانکها است و اگر در بازار کسی بخواهد سرمایه‌گذاری کند در وهله اول به سوی بانک می‌آید، چون ارزانترین پول، پول بانک است، ولی اگر نتواند، مشارکتهای با دیگران را انتخاب می‌کند. با این طرز تلقی است که ما دولتمان فقط بانکها را به عنوان منبع تأمین کسر بودجه یا منبع تأمین نیازمندیها می‌شناسد. ما شرکت دولتی داریم که سودآور هم هست، شرکت خوبی هم هست، فرض کنید که اکنون می‌خواهد کالائی را از کشاورزان بخرد و بعد بفروشد. این شرکت حتماً برای تأمین مالی خود نزد بانکها می‌رود. چرا باید اینطور باشد؟ چه نیازی هست که تمام اعتباراتی را که دولت می‌خواهد، از محل بانکها بدهیم مگر نه اینکه اعتبارات سیستم بانکی و

خصوصاً بانک مرکزی برای جامعه تورم‌زاست و نباید مورد استفاده قرار گیرد؟ چرا ما نتوانیم از اوراق قرضه دولتی استفاده کنیم؟ مگر دولت ما آنقدر معتبر نیست؟ چرا نتوانند شرکتها از اوراق قرضه خودشان استفاده کنند؟ سؤال مهم این است که آیا اگر شروع کنیم به انتشار اوراق سرمایه‌گذاری یا اوراق قرضه، آنوقت احکام ناظر بر این اوراق چه خواهد بود؟ بحثی را که اخیراً در شورای پول و اعتبار داشتیم، به عنوان یک مساله، به عنوان یک صورت مساله می‌تواند مثال خوبی در این زمینه باشد. واقعاً با این موارد چه باید کرد؟ وزارت راه به ما مراجعه کرده میلیاردها تومان پول می‌خواهد برای ایجاد یک آزاد راه بین بندر شهید رجائی و شاهراه اصلی کشور. می‌گویند اینکار اقتصادی است زیرا اگر ما این شاهراه را دایر کنیم کامیونها سریعتر می‌توانند بروند، راه نزدیکتر می‌شود. مضافاً اینکه بندرعباس هم محل تخلیه کالاست و تردد در این جاده هم آنقدر زیاد است که اگر بانک در آنجا سرمایه‌گذاری کند، یا مشارکت نکند و عوارض را از آنجا بگیرد هزینه‌های انجام شده چند ساله برمی‌گردد. تنها جائی را هم که برای دریافت اعتبار می‌شناسند بانک مرکزی است. چنانچه بانک مرکزی این اعتبار را بدهد، بعد از مدتی از طریق عوارض، اعتبار داده شده بازپرداخت خواهد شد. طبیعی است که ما نسبت به این پروژه‌های زیربنایی بلندمدت ۱۰ ساله ۱۲ ساله تمایل چندانی نباید نشان دهیم، حداقل به خاطر تورمزائی این نوع درخواستها، اما چه اشکالی دارد که از ابتداء در قبال یک طرح، یک سری اوراقی را بین مردم پخش کنیم، به دلیل اینکه خیلی‌ها هستند که ترجیح می‌دهند پولهای خود را در برنامه‌های بلندمدت ۲ ساله، ۵

ساله سرمایه‌گذاری کنند یا یک سری اوراق ۱۰ ساله را بگیرند، بعد وقتی پروژه به سود رسید، سود خود را دریافت دارند. البته اگر بخواهیم این طور عمل کنیم قطعاً طبق قوانین موجود هیچ گونه اشکالی وجود ندارد. اگر بخواهیم به صورت طرح و شرکت و نظایر آن عمل کنیم باید قابلیت انعطاف آن را بیشتر کنیم، از نظر مقررات و قوانین باید مطالعه جامع‌الاطراف انجام دهیم. البته بورس اکنون یک مقداری راهگشاست. هم اکنون اگر شرکتی بخواهد، می‌تواند سهام جدید را منتشر کند و پذیرهنویسی انجام می‌شود و اساساً جالب است که گزارش هیأت اعزامی به بعضی از کشورهای مختلف برای بازدید از بورسهای دنیا، حاکی از این است که در بورس آن کشورها، شرکتها آن مقداری که در ایران از معافیتها برخوردار هستند در آن کشورها از چنین معافیتهایی برخوردار نیستند. در جواب اینکه چرا شرکتها از چنین معافیتهایی برخوردار نیستند آمده است که در اینجا امکان تهیه پول ارزانتر برای شرکتها بیشتر است، چون پذیرهنویسی می‌کنند، و به راحتی می‌توانند پول جمع‌آوری کنند، این خودش بالاترین امتیاز است. در بورس ما، هنوز بورس برای هر دو طرف ناشناخته است، هم برای متقاضیان و هم برای سرمایه‌گذاران، که این وضعیت را بشناسند و اقدام به جمع‌آوری سرمایه‌های لازم بنمایند، از آن طرف متقاضیان هم سهام خریداری نمایند، و به هر حال این سؤال مهم را امروز می‌خواستم عنوان کنم که این تعریف (تعریف پول) را مورد بررسی قرار دهیم. البته من مقالات محققانای که دوستان ما در دانشگاه راجع به پول، تعریف پول، مسایل مربوط به پول نوشته‌اند، اگر نخواهم بگویم که مورد مطالعه عمیق

قرار داده‌ام، تقریباً دیده‌ام و اطلاع دارم از اینکه خصوصاً تعدادی از دوستان ما در این زمینه تحقیقات بسیار خوبی کرده‌اند. منتهی بحثی که ما امروز در این مورد عنوان می‌کنیم بیشتر از این جهت مطرح است که ما چگونه می‌توانیم با داشتن تعریفی صحیح‌تر یا مناسب‌تر از پول با توجه به نیازمندیهای ما در مورد بازار سرمایه، و اوراق مختلف اعتباری، ابزارهای اعتباری، آنقدر گسترش دهیم که بتوانیم با این اوراق اعتباری ایجاد سرمایه کنیم. به دلیل اینکه حجم سرمایه مورد نیاز ما هر روز رو به افزایش است. لذا اکنون بیائیم بیش از پیش از این اوراق استفاده کنیم.

این جانب با یکی از علماء که مذاکره می‌کردم می‌گفتند که احکام ناظر بر دینار و درهم نمی‌تواند ناظر بر پولهای کاغذی و ابزارهای اعتباری امروز باشد و می‌گفتند در این مورد کار بیشتری نیاز است، باید بیشتر در اطراف این موضوع صحبت شود، آرا بیشتری جمع شود که یک اجماعی در این مورد حاصل شود. به هر صورت، لازم است ما مشکل اوراق قرضه را برطرف کنیم. الان دولت باید واقعاً بتواند اوراق قرضه منتشر کند. نظر این جانب به عنوان مسئول بانک مرکزی این است که دولت نباید از بانک مرکزی قرض بگیرد. واقعاً اگر ما روزی بتوانیم اوراق قرضه چاپ کنیم و حداقل تا جایی که ممکن است به جای وام، دولت از اوراق قرضه استفاده کند موفقیت بسیار بزرگی است. البته من به شما نوید بدهم که یکی از موفقیت‌های بسیار بزرگمان این است که طبق تصویب دولت از امسال، جزو یکی از ردیف‌های بودجه، بازپرداخت دیون دولت به بانک مرکزی آغاز می‌شود که این نوید بسیار بزرگی است که بعد از دو سال مذاکره پیاپی در شورای اقتصاد تصویب

شد. این آغاز یک مرحله جدید در روابط بین سیاستهای مالی ظالم و سیاستهای پولی مظلوم است که به هر حال حق سیاست پولی از این به بعد گفته می‌شود. من در این مورد، به عنوان جمع‌بندی، از همه همکاران ارجمند و دوستان و محققان خواهش می‌کنم که در این مورد فکر کنند. آقای دکتر فرهندی در موسسه بانکداری ایران و آقای دکتر شیوا در موسسه تحقیقات پولی و بانکی راجع به این مطلب اقدام به تحقیقات و مطالعه بنمایند. هر گونه وسایل و امکانات مورد نیاز در تامین این منظور بر ایشان فراهم خواهد شد که ما بتوانیم واقعاً مساله اوراق قرضه، مساله قرضه‌های مختلف، مساله اوراق اعتباری را حل کنیم. به هر حال در سمینار قبلی این نکته را عرض کردم شاید بد نباشد که اینجا هم اضافه کنم. فراموش نکنید مردم پولشان را به جایی می‌سپارند که آن پول حفظ شود. حفظ پول و نگهداری از پول در زمان قدیم بدین معنی بود که پول در یک گاوصندوق نگهداری شود چون مردم گاوصندوق نداشتند پولشان را می‌سپردند به بانکها، بانکها در گاوصندوق می‌گذاشتند از آن نگهداری می‌کردند این نگهداری و حفظ پول در سابق به معنی نگهداری فیزیکی بود. امروز دیگر نگهداری فیزیکی معنی ندارد. امروزه نگهداری ارزشی بدان معنی است که یکی ۱۰۰ هزار تومان به یکی می‌دهد و می‌خواهد که بعد از مدتی ارزش آن حفظ شود. سرمایه‌گذاران خرده‌پا و کسانی که پولهای کمی دارند حاضر نیستند پولهایشان را برای سرمایه‌گذاری به کسانی بدهند، چه دولت چه غیردولت، که بعد از مدتی قدرت خرید کمتری در اختیار آنان قرار دهند. کسی حاضر نیست صد هزار تومانش را بدهد و بعد از مدتی ۷۰

هزار تومان پس بگیرد. چرا اینکار را بکند؟ به جای آن به خرید فرش اقدام می‌کند، تلویزیون می‌خرد، انواع و اقسام کالاها را می‌خرد حتی اگر نیاز نداشته باشد، و از این راه کمک می‌کند به تورم. شخصی هم که پول می‌خواهد چون از بازار سرمایه نمی‌تواند پول بگیرد از یک منبع بانکی یا بانک مرکزی پول می‌گیرد و ما هم از آن طرف پول چاپ می‌کنیم و از دو طریق تورم را به جامعه عرضه می‌کنیم. ما سال گذشته، واقعاً حجم انتشارمان بیشتر از مقداری بود که می‌بایست انجام شود. گرچه حجم انتشار ما در سال گذشته نسبت به سال قبل از آن پائین آمده و ما سعی می‌کنیم آن را پائین نگه داریم. البته با توجه به تغییر نرخ برابری پولمان این کار به سادگی امکان‌پذیر نیست ولی سعی می‌کنیم آن را پائین بیاوریم. ما واقعاً قضاوت‌مان این است که می‌توانیم موفق به این کار شویم حالا اگر نشد به دلیل عدم امکان استفاده از ابزارهای مختلف اعتباری است، لذا ما اگر بخواهیم می‌توانیم پس‌اندازکنندگان کوچک را نیز تشویق کنیم به این که در کار مردم مشارکت کنند. تجربه بازسازی ژاپن الگویی است در زمینه مورد بحث. ژاپنی‌ها در بسیج سرمایه‌های جزّ از موفق‌ترین کشورهای دنیا هستند. ما وقتی که می‌گوئیم در جامعه خودمان چه مقدار نقدینگی وجود دارد، چرا نمی‌توانیم از این نقدینگی استفاده کنیم؟ شما از نقدینگی تا زمانی که نتوانید استفاده کنید تورم‌زائی نقدینگی وجود دارد و نرخها بالا خواهد رفت و در دوره رونق بدتر هم می‌شود. در دوره‌ای که سرمایه‌گذاری انجام می‌دهید و در حال توسعه قرار دارید زمینه‌های تورمی بیشتر است و ما برای گرفتن این زمینه‌های تورمی باید این پولهای جزء،

این نقدینگی‌ها را به سمت سرمایه‌گذاری هدایت کنیم. در کشور ما در صدد تشکیل سرمایه نسبت به GNP در سال ۱۳۶۹ پائین‌تر از ۱۲/۵ درصد است که خیلی کم است و نشان دهنده این است که باید به ۲۰ تا ۳۰ درصد بالغ گردد. کشوری که این همه آرمانهای ملی بزرگ دارد باید میزان تشکیل سرمایه‌اش حداقل بالای ۱۵ باشد، بالای ۲۰ باشد، این است که با توجه به این که ما باید ارزش پولهای مردم را نگهداری کنیم همچنین ارزش سپرده‌های کوچک مردم را نیز نگهداری کنیم، لازم است مردم را در انواع سرمایه‌گذاریها مشارکت دهیم و اجازه دهیم انواع اوراق اعتباری از سوی بانکها، از سوی موسسات بزرگ، از سوی دولت انتشار یابد. چرا نتواند یک شرکت بزرگ، معتبر، سودده، و صادرکننده، اوراق قرضه‌اش را در بازار لندن منتشر کند و از این رهگذر تحصیل ارز کند و تا این حد متکی به ما نباشد؟ اگر شرکتی معتبر می‌تواند کار خود را بدرستی انجام دهد چرا نتواند اوراق قرضه‌اش در بازارهای مختلف دنیا انتشار یابد و ارز مورد نیاز خود را از آن بازارها تامین کند؟ ملاحظه می‌کنید که بازار سرمایه و پول از عمده‌ترین سؤالات ماست که باید روی آن یک کار تئوریک مفصل انجام شود. من از این که خانمها و آقایان تشریف آوردند به این جلسه تشکر می‌کنم امیدوار هستم صحبتها و بحث‌هایی که در خلال این سمینار یک‌روزه، مطرح می‌شود برای شما مفید باشد. شما هم کمک کنید به ما انشاءالله هفته بانکداری سال آینده را بتوانیم با ارائه خدمات بیشتر و بهتر و ابزارهای پولی اعتباری بیشتر و موثرتر برگزار کنیم. خیلی متشکرم والسلام.